



تحلیل برهان پایدار و ناپایدار در ترجیح آخرت بر دنیا

معصومه سالخورده^۱

عباس پسندیده^۲

چکیده

در متون دینی تأکیدی ویژه نسبت به زهد و زینت انسان به دنیا و ترغیب نمودن او به سرای اخروی وجود دارد. یکی از دلایل این امر، به وجه پایداری آخرت، جاودانه طلب بودن انسان و ناپایداری جهانی که در آن زندگی می کند، برمی گردد. بدین جهت یکی از رسالت های دین مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار، ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدا نمودن از امور ناپایدار است. زندگی دنیوی از این جهت، دارای محدودیت و متناهی است. در مقابل، آخرت نامحدود، نامتناهی و جاودانه است. خداوند متعال با ارائه برهان پایدار و ناپایدار، بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به زندگی جاوید را به انسانی که از فنا و نقص گریزان است و گاهی امور ناپایدار را پایدار می پندارد و به آن ها دل بستگی پیدامی کند، بیان نموده و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است و توسط هادیان دین، مدل های رفتاری صحیح در رابطه با دنیای ناپایدار را به انسان عرضه داشته تا عملکردهای او که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد، به خوبی شکل گیرد. بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می کند و به شکل صحیحی تنظیم می گردد، در نتیجه گرایش او از دنیا به آخرت تغییر خواهد نمود و میل فطری اش به بقا در جهت صحیح هدایت می شود؛ در زندگی آرامش و رضامندی خواهد داشت و مسیر دستیابی به سعادت را به درستی خواهد پیمود.

کلیدواژه ها: دنیا، آخرت، پایدار، ناپایدار، برهان.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۳۱

۱. کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: m.salkhordeh27@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Email: pasandide@hadith.net



مقدمه

یکی از مفاهیمی که پیوسته در متون دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته و بخش عظیمی از آن را به خود اختصاص داده، ترغیب نمودن انسان به سرای اخروی و بر حذر داشتن او از تعلق و دل‌بستگی به دنیاست. در این راستا سؤال مطرح است و آن این که چرا این همه تأکید نسبت به ترغیب نمودن انسان به سرای اخروی و گزینش آن بر دنیا وجود دارد و در مقابل، انسان را از تعلق و دل‌بستگی به دنیا، بر حذر داشته‌اند؟ چرا قرآن کریم آخرت‌گرایان را مورد تشویق قرار داده^۱ و در مقابل، کسانی را که حیات دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، در گمراهی دور و درازی می‌داند؟^۲ این گوشزد مداوم نسبت به بر حذر داشتن انسان از دنیا و ترغیب نمودن به آخرت، به چه چیز برمی‌گردد؟

بدیهی است سؤال مطرح‌شده پاسخ‌های متفاوتی را به دنبال خواهد داشت که روشن شدن پاسخ، نقشی ویژه در ترجیح آخرت بر دنیا و شکل‌گیری عملکرد صحیح انسان با دنیا دارد.

در این نوشتار در پی آن هستیم تا بر اساس متون دینی، با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیل محتوا، یکی از پاسخ‌های ارائه‌شده در این رابطه را مورد بررسی و تبیین علمی قرار دهیم.

در مورد پیشینه بحث لازم به ذکر است که تاکنون از جنبه خاص، مستند و به تفصیل، پاسخ سؤال مطرح‌شده، تبیین نگردیده است. نگارنده قصد دارد یکی از پاسخ‌ها را که به وجه پایداری آخرت و ناپایداری بودن دنیا برمی‌گردد، مورد بررسی قرار دهد. با توجه به تألیفات بسیاری که در رابطه با موضوع دنیا و آخرت صورت گرفته، به نظر می‌رسد در هیچ پژوهش علمی، وجه پایداری آخرت و ناپایداری دنیا به تفصیل مورد بررسی مستند و علمی قرار نگرفته است و منابع مربوطه با استناد به برخی آیات و روایات، به اشاره‌ای گذرا بسنده کرده‌اند؛ از جمله کتاب «آخرت سرای پایدار» نوشته علی خراسانی که آخرت و زندگی پس از مرگ را در بررسی تطبیقی میان ادیان و از نگاه قرآن و اسلام تشریح می‌کند، اما برخلاف عنوان کتاب، در رابطه با وجه پایداری آخرت همچون دیگر منابع، اشاره‌ای بسیار گذرا دارد. از آنجاکه در دیگر منابع نیز، به این ویژگی دنیا و آخرت به طور ویژه پرداخته نشده، بررسی این موضوع با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در دستیابی انسان به سعادت دارد، ضروری است؛ زیرا جهت‌یابی افعال اختیاری انسان در گرو شناخت و درک صحیح او از زندگی این دو سرا است که این شناخت از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است؛ از جمله

۱. ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعَىٰهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ اسراء/۱۹.

۲. ﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ... أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ ابراهیم/۳؛ معنای استحباب دنیا بر آخرت، اختیار دنیا و ترک کامل آخرت است. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق؛ ج ۱۲، ص ۱۳.



این ابعاد، همین وجه پایداری و ناپایداری این دو پدیده است که بر اساس آن در متون دینی، مدل‌های رفتاری مهمی در رابطه با عملکرد صحیح با دنیا عرضه شده، ولی تاکنون گزارشی مستند از این مدل‌های رفتاری ارائه نشده است.

برهان پایدار و ناپایدار

تعابیری که سعی در ترغیب نمودن انسان به آخرت و بر حذر داشتن او از دنیا دارند، فراوان است. بررسی این متون نشان می‌دهد که این معارف با برانگیختن برخی از گرایش‌های فطری انسان و توجه دادن او به ابعاد خاصی از دنیا و آخرت، سعی در ترغیب نمودن انسان به آخرت و رهایی دادن او از تعلقات دنیوی دارند. بدین جهت، سؤال مطرح شده پاسخ‌های متفاوتی خواهد داشت که هر کدام در بخش‌های جداگانه قابل طرح هستند.

یکی از پاسخ‌ها، به مسئله پایداری آخرت و ناپایداری دنیا مربوط می‌شود. ائمه هدی علیهم‌السلام با تأکید بر وجه پایداری آخرت و ناپایداری دنیا و برانگیختن حب بقا، مردم را نسبت به سرای اخروی ترغیب می‌نمودند و از دل‌بستگی به سرای فانی بر حذر می‌داشتند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این راستا، مردم را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دادند:

يَا أَهْلَ الْخُلُودِ، يَا أَهْلَ الْبَقَاءِ، إِنَّكُمْ لَمْ تَخْلُقُوا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّمَا تَنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ كَمَا نُقِلْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ وَمِنَ الْأَرْحَامِ إِلَى الدُّنْيَا وَمِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْقُبُورِ وَمِنَ الْمَوْقِفِ إِلَى الْخُلُودِ فِي الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ؛^۱ ای اهل جاودانگی، ای اهل ماندگاری! شما برای نابودی آفریده نشده‌اید؛ بلکه از سرائی به سرائی انتقال داده می‌شوید؛ همچنان که از پُشت‌ها به زهدان‌ها و از زهدان‌ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها و از موقف قیامت به جاودانگی در بهشت یا دوزخ انتقال می‌یابید.

همچنین آنجا که توصیه به ترجیح آخرت بر دنیا دارند، به بُعد پایداری آخرت و ناپایداری دنیا استدلال می‌کنند:

وَأَلَّا تُؤْثِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ؛^۲ دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا، رفتنی است و آخرت، ماندنی.

۱. ابن شهردار، شیرویه؛/فردوس، قاهره: دارالربان للتراث، ۱۴۰۸ هـ، ۱۹۸۸ م؛ ج ۵، ص ۳۹۲، ح ۸۲۶۱.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ ج ۲، ص ۱۵۵، ح ۷.



اُتمه هدی علیه السلام برای تغییر جهت رغبت انسان از دنیا به آخرت، به زوال‌پذیری دنیا استدلال می‌کردند؛^۱ آنجا هم که می‌خواستند مردم را به توشه برگرفتن از دنیا و آماده شدن برای سرای اخروی فراخوانند و از فریفته شدن توسط دنیا بر حذر دارند، به گذرگاه بودن و فناى دنیا استدلال می‌نمودند.^۲ همچنین بسیاری دیگر از آموزه‌های رفتاری و نحوه عملکرد نسبت به این دو سرا را، با استدلال به فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت به انسان‌ها عرضه می‌نمودند.

تعبیری که این‌گونه انسان را متوجه سرای پایداری می‌نماید و از دنیای زوال‌پذیر بر حذر می‌دارد، فراوان است. این‌ها بیانگر این است که یکی از دلایل ترغیب نمودن انسان به آخرت و بر حذر داشتن او از دل‌بستگی به دنیا و دنیا محوری، به ناپایداری دنیا و جاودانگی سرایی که به آن ترغیبش نموده‌اند، برمی‌گردد. پس متون دینی برای تغییر گرایش مردم از دنیا به آخرت، از بُعد پایداری و ناپایداری وارد شده و با استناد به ناپایداری دنیا و پایداری آخرت، مردم را به آخرت‌گرایی ترغیب کرده‌اند؛ بنابراین، یکی از راه‌کارهای مهم برای خروج حب دنیا از دل انسان و تغییر گرایش از دنیا به آخرت، برانگیختن حب بقا در انسان توسط مسئله پایداری آخرت و ناپایداری دنیاست که از این نوع استدلال می‌توان به‌عنوان برهان پایدار و ناپایدار یاد نمود.

نقش دین در برهان پایدار و ناپایدار

دین به‌عنوان مجموعه معنابخش زندگی، با معرفی انسان به‌عنوان موجودی جاودانه طلب، با ارائه برهان پایدار و ناپایدار نقش مستقیم و مهمی را در جهت تأمین جاودانگی او ایفا می‌کند. چگونگی شکل‌گیری عملکردهای انسان، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد؛ بدین جهت یکی از رسالت‌های دین، مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار و ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدانمودن از امور ناپایدار است که در راستای همین تعلیم، با برانگیختن حب بقا در انسان و با توجه دادن

۱. «لیکن زهدک فیما ینقذ و یزول، فَاِنَّهٗ لَا یبقی لک و لَا تَبْقَی لَهٗ»؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، تحقیق: مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، ح ۷۳۸۰؛ لیثی واسطی، علی بن محمد؛ *عیون الحکم و المواعظ (للایثی)*، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶؛ ص ۴۰۵، ح ۶۸۵۸. امام حسن علیه السلام: «فازهدوا فیما ینی و ارغبوا فیما یقی»؛ ابن بابویه، محمد بن علی؛ *التوحید (للسدوق)*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق؛ ص ۳۷۸.

۲. امام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْیَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ وَ إِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازاً لِتَرْوُدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ لِدارِ الْقَرَارِ. فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ، وَلَا تَخْذَعَنَّكُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةُ وَلَا تَغُرَّنَّكُمْ فِيهَا الْفِتْنَةُ»؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ پیشین؛ ح ۳۶۹۹؛ لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۴۸، ح ۳۲۵۱.

او به فناپذیری دنیا، به ارائه مدل‌های رفتاری صحیح در رابطه با دنیا نیز پرداخته‌اند و نوعی از روابط درست انسان با دنیا را به او آموزش داده‌اند و پیامدهای ناشی از روابط نادرست با این دو پدیده را نیز به او گوشزد نموده‌اند.

معرفی انسان به عنوان موجودی جاودانه طلب

یکی از گرایش‌های وجودی انسان، میل به خلود است. اسلام با بیان آیاتی که دلالت بر گرایش فطری انسان به جاودانگی دارد، وجود این میل را در انسان تأیید می‌کند و بر اساس آن، تعالیمی را برای تربیت او عرضه می‌دارد و در صدد تعیین مصداق حقیقی برای آن می‌آید. آیه ﴿فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّائِيْلٍ﴾^۱ بیانگر این است که شیطان از راه میل به خلود حضرت آدم را وسوسه کرد. تعبیر ﴿يَوْمَ الْخُلْدِ﴾^۲، برای قیامت و صفت قرار دادن واژه (ابقی) برای آخرت ﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۳، نعیم ﴿مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۴، ﴿رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۵ و عذاب آن ﴿لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾^۶، جهت توجه دادن انسان به آخرت و نیز تعبیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾^۷ برای انسان‌ها در آخرت، دلالت بر جاودانه طلبی انسان دارد؛ به لحاظ عقلی و منطقی نیز انسان وجود این میل را در خود می‌یابد. همه میل‌ها و رغبت‌های فطری، شاخه‌ها و فروعی از حب ذات هستند. هر موجود ذی‌شعوری، چون خودش را دوست می‌دارد، بقای خود را دوست می‌دارد و آنچه مورد نفرت انسان است، فنا و نقص وجود می‌باشد.^۸ پس طبیعی‌ترین اثری که بر حب ذات مترتب می‌شود، حب بقاست و هر انسانی بالطبع، این گزینه را دارد.^۹ در وجود او هم اندیشه عظیم جاودانگی هست و هم آرزوی آن و هم غرایزی که او را به

۱. طه/۱۲۰؛ اعراف/۲۰.

۲. ق/۳۴.

۳. اعلیٰ/۱۷.

۴. قصص/۶۰؛ شوری/۳۶.

۵. طه/۱۳۱.

۶. طه/۱۲۷.

۷. آل عمران/۱۳۶.

۸. مصباح یزدی، محمدنقی؛ آموزش فلسفه، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۹. مصباح یزدی، محمدنقی؛ اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱؛ ج ۲، ص ۱۳۳.



آن سو سوق می‌دهد. همه این‌ها حکایت از نوعی استعداد و قابلیت برای جاوید ماندن دارد.^۱

معرفی دنیا و آخرت به‌عنوان دو پدیده ناپایدار و پایدار

دنیا و آخرت، دارای ویژگی‌های خاص و فراوانی هستند. خداوند تعال در قرآن کریم و در لسان هادیان دین ﷺ، انسان را به یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های این دو پدیده، یعنی پایداری سرای اخروی^۲ و ناپایداری دنیا^۳ توجه داده است. با تعابیری متفاوت و ملموس زوال‌پذیری دنیا و جاودانگی آخرت را به تصویر کشیده و این‌گونه حقیقت و ماهیت این دو سرا را برای او روشن نموده تا گرایش‌های فطری‌اش در جهت صحیح هدایت شود و عملکردهای خود در دنیا را ناظر به زندگی جاوید تنظیم کند. در ادامه با بهره‌گیری از متون دینی، زوال‌پذیری دنیا و پایداری سرای اخروی بیان می‌گردد.

دنیا سرای «ناپایدار»

اختلاف بارز بین عالم دنیا و عالم آخرت محدودیت عمر دنیا و جاودانگی آخرت است. متون اسلامی در مواردی متعدد فنای دنیا را مورد تصریح قرار داده‌اند. تعابیر و تشبیهاتی که از دنیا ارائه گردیده، به‌خوبی ناپایداری و زوال آن را به تصویر کشیده است. «عاجلة»^۴ (زودگذر) بودن دنیا، یکی از این تعابیر است که سه بار در قرآن کریم آمده، مقابل آخرت بوده و مراد از آن دنیاست^۵ و این مفهوم به‌واسطه زودگذر بودن آن است.^۶

تعبیر دیگر در این رابطه بهره‌گیری از واژه «عَرَض» است.^۷ «عرض» چیزی بی‌ثبات و زایل است^۸ که خودی نشان می‌دهد و به‌زودی از بین می‌رود.^۹ امور ناپایدار را «عرض» می‌گویند و از این جهت که

۱. مطهری، مرتضی؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران، انتشارات صدرا، ص ۶۱.

۲. ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ اعلیٰ/ ۱۷.

۳. الإمام علیؑ: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه، تصحیح: الصبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق؛ خطبه ۱۱۴.

۴. ﴿كَأَلَّا بَلٌ تُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ قیامت/ ۲۱-۲۰؛ انسان/ ۲۷؛ اسراء/ ۱۸.

۵. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۲۰، ص ۱۴۲.

۶. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش؛ ج ۴، ص ۲۹۵.

۷. ﴿تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾ انفال/ ۶۷؛ نساء/ ۹۴؛ نور/ ۳۳.

۸. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق-بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق؛ ص ۵۶۰.

۹. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۳۲۹.



سرمایه‌های مادی این جهان پایدار نمی‌مانند، تعبیر «عَرَضَ الدُّنْيَا» برای آن‌ها به کار رفته است.^۱

دنیا در حقیقت برخورداری چندروزه‌ای اندک است که همچون سراب از میان می‌رود و به سان ابر پراکنده می‌شود؛^۲ چون ساعتی می‌گذرد^۳ و بسان خانه عنکبوت است؛^۴ زندگی‌اش کوتاه و لذت‌هایش ناپایدار؛^۵ فرجام خوشی‌هایش، همچون فرجام بهار است؛^۶ چنان بازی کودکان سرآمد معینی دارد که سرانجام فرارسیده و تمام می‌شود؛^۷ دنیا و هر آنچه در آن است،^۸ از بین خواهد رفت؛ پس منزلگاه رفتن است، نه جای ماندن.^۹

قرآن برای شناساندن حقیقت دنیا و به جهت بر حذر داشتن انسان از تعلق به آن و ترغیب نمودن او به سرای خیر و پایدار، به پدیده‌های محسوس و عینی دنیا مثل زده، می‌فرماید:

مَثَلُ زَنْدِکِی دُنْیَا مَثَلُ گِیَاهِی اَسْت کِه پَس از چَند صَبَاحِی خَشْک خَوَاهَد شَد و باد، ذرات آن را به هر سو خواهد پراکند؛ به طوری که هیچ اثری از آن باقی نماند؛ گویی که اصلاً از ابتدا گیاهی در کار نبوده است؛ و این گونه ناپایداری آن را به تصویر می‌کشد.^{۱۰}

اثمه هدی علیه السلام نیز با مفهوم‌سازی‌های بسیار محسوس، به زیبایی این ناپایداری و زوال را به تصویر

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴؛ ج ۷، ص ۲۴۵.
۲. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَتُقَشَّعُ كَمَا يَنْقَشِعُ السَّحَابُ». لیسبی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۷۸، ح ۳۶۷۱.
۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: «الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً». ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵؛ ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۳۱.
۴. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْتٌ نَسَجَتْهُ الْعَنْكَبُوتُ». میبدی، حسین بن معین الدین؛ دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه: مصطفی زمانی، قم: دار نداء الإسلام للنشر، بی‌تا؛ ص ۱۶۲، الرقم ۹۰.
۵. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا عِيشٌ هَا قَصِيرٌ... وَ لَذَائِهَا فَانِيَةٌ». لیسبی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۴۶، ح ۳۲۳۹.
۶. الإمام صادق علیه السلام: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمَتَتْ بِبَهْجَتِهَا وَ عَزَّتْ بِزَبْرِجِهَا، فَإِنَّ أَخْزَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخْرِ الرَّيْبِ الَّذِي يَرُوقُ بِخَضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْبِجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مَدَّتِهِ». مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ پیشین؛ ج ۹۱، ص ۲۷۲.
۷. «مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مَّسْمُومٍ» روم/۸.
۸. الإمام حسن ۷: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ فِتْنَةٍ وَ كُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۳۷۸، ح ۲۴.
۹. الإمام علی علیه السلام: «تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ فَنَاءَهَا مَحَلٌّ قَنَاءٍ، لَا مَحَلَّ بَقَاءٍ». میبدی، حسین بن معین الدین؛ پیشین؛ ص ۳۸، الرقم ۱۰.
۱۰. «وَ أَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا إِذَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» كهف/۴۵؛ یونس/۲۴.



کشیده‌اند. در بسیاری از بیانات ایشان، دنیا سایه‌ای ناپایدار^۱ است که تا زمانی محدود، پهن شده است.^۲ تشبیه دنیا به گذرگاه^۳، سرای کوچیدن^۴، رفتن^۵ و پلی که باید از آن گذر کرد،^۶ به‌خوبی بیانگر موقت بودن زندگی دنیوی است و دلیلی است بر ناپایداری و زوال آن و این که اینجا محل ماندن و اقامت گزیدن نیست؛ بلکه محل عبور است به سرایی دیگر.^۷ تشبیه اهل دنیا به مسافر^۸ و میهمان^۹، خود گویای موقتی بودن و فناپذیری دنیاست. همه تغییرات و تحولات دنیا، بیانگر زوال‌پذیری آن است؛ لذا انسان نباید دل به چنین سرایی بسپارد. بر این اساس ائمه هدی علیهم‌السلام پیوسته مردم را به زهد و رزیدن نسبت به دنیای زوال‌پذیر، دعوت نموده و به سرای پایداری ترغیب نموده‌اند تا آن‌ها را از غفلت‌زدگی و دل‌بستگی به دنیا برهانند.

آخرت سرای «پایدار»

همان‌گونه که گذشت، محدودیت دنیا و نامحدود بودن آخرت یکی از تفاوت‌های اساسی بین این دو سرا است. هر آنچه محدودیتش شدیدتر و دارای حدود بیشتری باشد، در نتیجه بقا و ثبات در آن ضعیف‌تر و سرعتش برای فنا، نفاد و زوال بیشتر است؛ و هر چیزی حدّ در آن کمتر باشد، قوّت، شدّت و دوام در آن بیشتر است.

عالم آخرت، مقابل عالم دنیاست؛ لطافت و رقّت در آن بیشتر از حدود هست؛ لذا نسبت به دنیا اقوی

۱. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ». ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۷.
۲. الإمام علی علیه‌السلام: «فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَّمدودٌ إِلَى أَجَلٍ مَّعدودٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۸۹؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳، ص ۲۱۲.
۳. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا دَائِرٌ مَّمرٌ، لَا دَائِرَ مَقَرٍّ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۱۳۳.
۴. الإمام علی علیه‌السلام: «أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا مَنَزَلٌ فَلَعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۱۳.
۵. الإمام علی علیه‌السلام: «وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا دَائِرُ شَخْصٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۹۶.
۶. الإمام علی علیه‌السلام: «وَأِنَّمَا هِيَ قَنْطَرَةٌ؛ فَاعْبُرُوا عَلَيْهَا وَ اتَّظَرُوا». دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۹.
۷. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةِ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۹، ح ۶۴.
۸. الإمام علی علیه‌السلام: «أَهْلُ الدُّنْيَا كَزَكَبٍ يَسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۶۴ و ۴۱۵.
۹. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «إِنَّ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ وَ إِنَّ الضَّيْفَ رَاحِلٌ وَ إِنَّ الْعَارِيَةَ مَرْدُودَةٌ». ابن شهردار، شیرویه؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۶۳، ح ۶۱۹۷؛ رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۲۹.



و باقی‌تر است.^۱ هر آنچه متعلق به این عالم است، از پاداش^۲ و عذاب^۳ نیز جاودانه است و برخورداری از لذت‌های آن نیز محدودیتی ندارد و بهشتیان هرچه بخواهند،^۴ تا ابد برایشان فراهم است. پس زندگی دنیا دارای محدودیت و فناپذیر است؛ اما زندگی آخرت و بهره‌های آن نامتناهی، بدون محدودیت و جاودانه است.

جاودانگی سرای اخروی، حقیقتی است که در متون اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است. قریب ۸۰ آیه قرآن، دلالت بر ابدیت و جاودانگی جهان آخرت دارد. بدیهی است که متناهی هر قدر هم طولانی باشد، نسبتی با دنیای نامتناهی نخواهد داشت.^۵ لذا نمی‌توان تبیینی دقیق از ابدیت آخرت ارائه داد؛ اما می‌توان با استفاده از بیانات خالق هستی و بهره‌گیری از تعالیم مفسرین حقیقی کلامش، با ذکر تعبیری که گویای پایداری آخرت است، این وجه را تبیین نمود.

قرآن کریم در یکی از استدلال‌های خود، پایداری سرای اخروی و نعیم آن را به‌طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است. در یکی از آیات مربوط به این استدلال، واژه «أَبْقَى» در هم‌نشینی با واژه «خَيْر»، صفت برای آخرت بیان شده است:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۶

درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

«بقا» مقابل مفهوم «فنا»^۷، به معنای ادامه یافتن، ثابت و پابرجا ماندن است^۸ و دلالت بر دوام و خلود دارد. اگر این مفهوم به‌تنهایی لحاظ شود، از آن با کلمه «بقیه و باقی» تعبیر می‌شود^۹ و اگر نسبت به غیر

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ شوری ۳۶؛ قصص ۶۰.

۳. ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۲۷.

۴. ﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُیْ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾ فصلت ۳۱.

۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۴۲۳.

۶. اعلیٰ/ ۱۷.

۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ص ۷۹.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۷۶؛ طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۵۷؛ الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۱۳۸.

۹. ﴿بَقِیْتُ لِلَّهِ خَيْرٌ لِّكُمْ﴾ هود/ ۸۶؛ ﴿وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا﴾ کهف/ ۴۶.



لحاظ شود، با کلمه «أَبْقَى»^۱ بیان می‌گردد.^۲ واژه «أَبْقَى» از ریشه (ب ق ی) به معنای پایداری، ماندنی‌تر، بادوام‌تر، دیرپاتر^۳، هشت مرتبه در قرآن کریم به‌کاررفته^۴ که از این تعداد پنج مرتبه در هم‌نشینی با واژه خیر و مربوط به حوزه‌های تقابل دنیا و آخرت است و در این آیات، مفهوم تفضیلی ندارد و از آن جهت که نسبت به غیر لحاظ شده، با تعبیر «أَبْقَى» آمده است؛ زیرا هیچ مناسبتی به لحاظ زمانی بین دنیا و مظاهر آن و سرای پایداری و نعم جاودانه آن وجود ندارد.

خداوند در این آیه و آیات دیگر به تبیین این حقیقت می‌پردازد که آخرت نسبت به دنیا از نظر کیفیت و کمیت برتر است؛ از نظر کیفیت «خیر» است و از نظر کمیت نیز از «بقا و ماندگاری» برخوردار می‌باشد. «دار المَقَامَةِ» تعبیر دیگری است که گویای ابدیت آخرت است:

﴿الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾؛^۵ همان‌که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و در اینجا در ماندگی به ما دست نمی‌دهد.

مُقام یعنی موضع اقامت^۶ و کلمه «مَقَامَةِ» به معنای اقامه است. «دار المَقَامَةِ» منزلی است که کسی از آن بیرون نمی‌رود و از آنجا به جای دیگر کوچ نمی‌کند.^۷ به خلاف دنیا که سرای کوچیدن و فناست و باید از آن به «دائر المَقَامَةِ» که منزل جاویدان است، سفر کرد.

توصیف آخرت به «دائر القَرَار»، نیز می‌تواند دلالت بر جاودانگی آن داشته باشد:

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَائِرُ الْقَرَارِ﴾؛^۸ ای قوم من، این زندگی دنیا

۱. مانند: ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۷۳. این سخن ساحران در پاسخ به سخن فرعون است که در مقام تهدید گفت: ﴿وَلَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾ طه/۷۱.

۲. مصطفوی، حسن؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، ۱۳۸۴ ش؛ ص ۴۵.

۴. ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۷۳؛ ﴿رَزَقَ رَبُّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۱۳۱؛ ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ قصص/۶۰ و شوری/۳۶؛ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ اعلیٰ/۱۷؛ ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه/۱۲۷؛ ﴿وَلَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾ طه/۷۱؛ ﴿وَتَمُودُ فَمَا أَبْقَى﴾ نجم/۵۱.

۵. فاطر/۳۵.

۶. طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۶، ص ۱۴۲.

۷. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۱۷، ص ۴۷.

۸. غافر/۳۹.



تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت، آن آخرت است که سرای پایدار است.

اصل «قرار» از «قَرَّ» به معنی سراماست و سرما، مقتضی سکون است؛ چنان که حرارت، مقتضی حرکت است؛^۱ و در فارسی به معنای زمین استوار و هموار، جایی که در آن مسکن گزینند، است. به همین دلیل اهل شهر را که در خانه‌های خود زندگی می‌کنند، برخلاف ایل‌ها و چادرنشینان که همواره از جایی به جایی منتقل می‌شوند «أَهْلُ الْقَرَارِ» گویند.^۲ پس «قرار» به معنی «ثبات» و «محل استقرار» است و آخرت خانه «ثبات» و «استقرار» و جای ماندن تا ابد می‌باشد، نه جای کوچیدن و رفتن.

رمز این که آخرت «دارالقرار»^۳ است، آن است که انسان در دنیا چون به مقصد نرسیده و در بین راه است، آرامش ندارد، ولی وقتی به بهشت رسید می‌آرامد؛ چون حرکت، به مقصد و متحرک به هدف رسیده است. البته ثابت می‌شود، نه ساکن؛ زیرا سکون، هدف حرکت نیست؛ بلکه به «دائر الثبات» می‌رسد و ثبات، هدف حرکت است.^۴

از دیگر تعبیری که گویای جاودانگی سرای اخروی است، توصیف آن به «دائر الخلد» است: ﴿ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ هُمْ فِيهَا دَائِرُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾؛^۵ این است کیفر دشمنان خداوند؛ آتش (دوزخ) که در آن، سرائی جاودانه خواهند داشت؛ به کیفر آن که آیات ما را انکار می‌کردند.

خلود از (خ ل د) به معنای اقامت گزیدن^۶ و بقاست^۷، بقا در خانه‌ای که از آن خارج نمی‌شوند.^۸ راغب آن را به معنای: دوری جستن شیء از عارضه‌های فساد و بقای آن به همان حالتی که هست، می‌داند و می‌نویسد:

عرب همه آنچه را که دچار تغییر و فساد نگردند، به خلود توصیف می‌کند. خلود

۱. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ص ۶۶۲؛ طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۵۶.

۲. مهیار، رضا؛ فرهنگ/بجدی عربی-فارسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا؛ ص ۶۸۸.

۳. الإمام علی (ع): «الدُّنْيَا دَائِرُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَائِرُ قَرَارٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبة ۲۰۳.

۴. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶؛ ج ۹، ص ۲۶۶.

۵. فصلت/۲۸.

۶. طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۴.

۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۲۳۱.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۱۶۴.



در بهشت، یعنی بقای اشیاء به همان حالتی که هستند، بی آنکه دچار فساد و دگرگونی شوند.^۱

بدین جهت قرآن کریم در وصف بهشتی که به متقین وعده داده، می‌فرماید:

﴿قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَ مَصِيرًا هُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا﴾؛^۲ بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیز گاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟» جاودانه هر چه بخواهند، در آنجا دارند. پروردگار تو مسئول این وعده است.

قرآن کریم در بسیاری از آیات با تعبیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾^۳ و ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾^۴ نیز به بیان جاودانگی آخرت و نعم و عذاب آن پرداخته است. نعم بهشتی را با تعبیری به تصویر کشیده که گویای جاودانگی و خلود آن است.^۵

نعم و خوراک بهشت، دائمی است^۶ و بهره‌مندی بهشتیان از این نعم، تمام وقت است^۷ و این رزق را پایانی نیست:

﴿إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ﴾^۸

کلمه «نفاد» به معنای فنا، است^۹ و فنا، ویژگی دنیا و متعلقاتش می‌باشد، نه آخرت. ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾^{۱۰} آنچه پیش شماست، تمام می‌شود و آنچه پیش خداست، پایدار است.

شروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ص ۲۹۱.
۲. فرقان/ ۱۶-۱۵.
۳. آل عمران/ ۱۳۶ و ۸۸ و ۱۵؛ نساء/ ۱۳؛ مائده/ ۸۵؛ و
۴. نساء/ ۱۶۹ و ۱۲۲ و ۵۷؛ مائده/ ۱۱۹؛ توبه/ ۱۰۰ و ۲۲؛ احزاب/ ۶۵؛ تغابن/ ۹؛ طلاق/ ۱۲؛ بینه/ ۸.
۵. ﴿وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ واقعه/ ۳۳.
۶. ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظُلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا﴾ رعد/ ۳۵.
۷. ﴿وَلَهُمْ فِيهَا زُرْقَةٌ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعُشْيَا﴾ مریم/ ۶۲.
۸. ص/ ۴.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۲۴؛ الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۸، ص ۵۰.
۱۰. نحل/ ۹۶.



علاوه بر نعم اخروی، ساکنان آخرت نیز، چه بهشتیان^۱ و چه جهنمیان^۲، همگی در آن جاودانه‌اند و برخلاف دنیا که در آن توالد، تناسل، جوانی، پیری و سپس مرگ وجود دارد، آخرت مشتمل بر این مراحل نیست^۳ و فرسودگی و پیری و فنا و تغییر و تبدیل‌هایی هم که گرایش به فساد و زوال دارد، در آنجا دیده نخواهد شد.^۴ بنابراین کسی طعم مرگ را نمی‌چشد؛^۵ یعنی آن خانه مدّتی ندارد که به سر آید.^۶ البته جاودانگی آخرت و امثال آن، عَرَضی و وابسته به جاودانگی ذاتی و مستقل خدای سبحان است:^۷

﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۸

این‌گونه خداوند مصداق جاودانگی را به انسان که به خطا در دنیا در پی بقاست، می‌نمایاند. با این اوصاف، انسانِ جاودانه طلب باید دل به کدامین سرا بسپارد؟ برای آبادی کدام‌یک بکوشد؟ مسافرخانه یا خانه‌جاوید؟ پایدار یا ناپایدار؟! خداوند حکیم، بشر را راهنمایی نموده و مسیر صحیح را به او نشان داده و می‌فرماید:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۹

در این میان، به فرموده امام موسی بن جعفر (علیه السلام)، انسان عاقل به سرای پایدار روی می‌آورد:

إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا، فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ وَنَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ، فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ، فَطَلَبَ بِالْمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا؛^{۱۰} عاقل به دنیا و دنیاپرستان نگرست و دانست که دنیا جز با رنج و سختی به دست نمی‌آید؛ و به آخرت نیز نگرست و دانست که آن هم جز با رنج و سختی به دست نمی‌آید، پس با رنج و سختی همان را طلبید که پایدارتر است.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ ق/۳۴.
۲. ﴿وَمَنْ يَغْصِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ جن/۲۳.
۳. مطهری، مرتضی؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی؛ ص ۴۳؛ بازگان، مهدی؛ مباحث بنیادین، مبحث زوال و لغو اصل کهنولت (آتروپی)، تهران، قلم، ۱۳۸۸؛ صص ۵۱۱-۵۰۴.
۴. بازگان، مهدی؛ پیشین؛ ص ۵۱۱.
۵. ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ﴾ دخان/۵۶.
۶. الإمام علی (علیه السلام): «لَا مَدَّةَ لِلدَّارِ فَتَنُنِي وَلَا أَجَلَ لِلْقَوْمِ فَيَقْضَى». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۰۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ توحید در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳؛ ص ۳۸۹.
۸. طه/۷۳.
۹. اعلی/۱۷.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۷.



تبیین چگونگی مواجهه با سرای پایدار و ناپایدار

دین با معرفی انسان به عنوان موجودی جاودانه طلب، پس از مشخص نمودن حقیقت دنیایی که در آن زندگی می کند، به عنوان سرایی ناپایدار؛ و بیان حقیقت پایداری سرایی که به عنوان جایگاه ابدی، بدان انتقال خواهد یافت، بینش صحیح و نحوه عملکرد درست نسبت به این دو سرا را نیز به انسان عرضه می دارد تا جهت یابی این میل فطری او نیز به درستی شکل گیرد.

بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می کند. اگر انسان این برهان را بپذیرد، مناسبات خود با دنیا و آخرت را باید دوباره تعریف و تنظیم نماید. بر اساس آنچه از متون اسلامی به دست می آید، مدل تنظیم مناسبات انسان با دنیا و آخرت بدین شکل خواهد بود:

فرصت دنیای ناپایدار را غنیمت شمرده و آن را یک فرصت زودگذر دانسته؛ و لذا به طاعت خداوند سبحان بگذرانند؛^۱ بر این طاعت صبوری ورزد^۲ و چیزی را شریک خداوند سبحان قرار ندهد.^۳ با توجه به ناپایداری دنیا فریفته آن نشود^۴ و دل بدان نسپارد^۵ و آن را مقصد و مقصود اصلی خویش قرار ندهد.

با جهت دادن رغبت خود به سرای پایداری، نسبت به دنیا زاهد باشد.^۶ از لذت های ناپایدارش

۱. رسول الله ﷺ: «الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً». ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۳۱؛

منسوب به امام صادق جعفر بن محمد (علیه السلام)؛ مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق؛ ص ۳۳.

۲. الإمام الصادق (علیه السلام): «إصْبِرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَتَصَبَّرُوا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ». کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲، ص ۴۵۹، ح ۲۱ و ص ۴۵۴، ح ۴.

۳. «یا عیسی، لا تشْرک بى شیئا و کن منى على حذر و لا تغتر بالنصیحة و لا تغبط نفسک؛ فإن الدنیا کفیء زائل و ما أقبل منها کما أدبر». کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۳۹.

۴. الإمام علی (علیه السلام): «لَا یُعْزَنُکُمْ مَا أَصْبَحَ فِیهِ أَهْلُ الْغُرُورِ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجْلِ مَعْدُودٍ». رضی، محمد بن حسین؛

پیشین؛ خطبه ۸۹: ﴿فَلَا تَغُرَّنَّکُمُ الْحَیَاةُ الدُّنْیَا وَلَا یُعْزَنُکُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ لقمان/۳۳؛ فاطر/۵. الإمام علی (علیه السلام): «أَحْذَرُکُمُ الدُّنْیَا؛ فَإِنَّهَا مَنَزِلٌ قُلْعَةٌ وَ لَبِستِ بِدَارِ نَجْعَةٍ؛ قَدْ تَزَيَّتِ بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِیْنَتِهَا». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۱۳.

۵. الإمام زین العابدین (علیه السلام): «لَا تَرْکَنُوا إِلَى مَا فِی هَذِهِ الدُّنْیَا رُکُونٌ مِّنْ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَ مَنَزَلَ اسْتِیْطَانٍ، وَاللَّهُ إِن لَّکُم مِّمَّا فِیْهَا عَلَیْهَا لَدَلِیْلًا وَ تَنْبِیْهًا؛ مِّنْ تَصْرِیفِ آیَمِهَا وَ تَغْیْرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاعِبِهَا بِأَهْلِهَا». کلینی، محمد بن یعقوب؛

پیشین؛ ج ۸، ص ۱۵، ح ۲؛ الإمام الصادق (علیه السلام): کَانَ عِیْسَى بْنُ مَرْیَمَ (علیه السلام)، یَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: «يَا بَنِي آدَمَ اهْزَبُوا مِنَ الدُّنْیَا إِلَى اللَّهِ، وَآخِرُ جَوَاقِلُکُمْ عَنْهَا؛ فَإِنَّکُمْ لَا تَصْلَحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلُحُ لَکُمْ، وَلَا تَبْقُونَ فِیْهَا وَلَا تَبْقَى لَکُمْ». مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ص ۲۸۸، ح ۱۳.

۶. الإمام علی (علیه السلام): «إِن کُنْتُمْ فِی الْبَقَاءِ رَاغِبِینَ، فَازْهَدُوا فِی عَالَمِ الْفَنَاءِ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۱۶۳،

ح ۳۴۷۳. الإمام علی (علیه السلام): «لَیْکُنْ زُهْدُکُمْ فِیْمَا یَنْفَدُ وَ یَزُولُ، فَإِنَّهُ لَا یَبْقَى لَکَ وَلَا تَبْقَى لَهُ». ابن بابویه، محمد بن علی؛

پیشین؛ ص ۴۰۵، ح ۶۸۵۸؛ خداوند متعال خطاب به حضرت عیسی (علیه السلام): «یا عیسی! اِزْهَدْ فِی الْفَانِی الْمُنْقَطِعِ»؛ کلینی،

کناره‌گیری کند و تقوا را پیشه‌خویش سازد.^۱ با دیده‌ای عبرت‌بین، به دنیا بنگرد.^۲ به ناز و نعمت مرفهان، چشم ندوزد.^۳ زیور و نعیم دنیوی، او را به شگفتی وادار نکند و از آن سرخوش نشود.^۴ قناعت ورزی را سرلوحه‌خویش قرار دهد^۵ و به آنچه خدا روزی می‌دهد، بسنده کند. از دنیا و خوشی‌هایش بر حذر باشد، دغدغه‌های آن را از خود دور کند^۶ و بر سختی و مشقت آن بی‌تابی نکند.^۷

برای کسب عزت و افتخار دنیوی به رقابت نپردازد؛^۸ بلکه برای آبادسازی سرای اخروی بشتابد.^۹ همواره

محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۸، ص ۱۳۴، ح ۱۰۳؛ امام حسن (علیه السلام) «فازَهِدُوا فیما یفنی و ارْغَبُوا فیما بَیْقی» ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۳۷۸.

۱. الإمام علی (علیه السلام): «أوصیکم عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَأُحْذِرُکُمُ الدُّنْیَا؛ فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۹۶.

۲. الإمام علی (علیه السلام): «إِعتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْیَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا بِشِیْءُ بَعْضًا، وَآخِرُهَا لِأَحَقِّ بِأَوَّلِهَا، وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ نامه ۶۹.

۳. امام علی (علیه السلام): «إِنَّ الدُّنْیَا دَارُ رَضَى اللَّهِ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءِ، وَقَدَّرَ عَلَیْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِیْهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ یَسْلُکُهَا بِإِثْبَاطٍ... وَلَا تَمُدُّوْا أَعْیُنَکُمْ فِیْهَا إِلَى مَا مَتَّعَ بِهِ الْمُتَرَفِّعُونَ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۴. الإمام علی (علیه السلام): «وَلَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَیُوسَاسِهَا... وَإِنَّ ضَرَّهَا وَیُوسَاسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَیٍّ، وَكُلُّ حَیٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۵. الإمام علی (علیه السلام): «إِنَّمَا الدُّنْیَا فَنَاءٌ لَیْسَ لِلدُّنْیَا ثُبُوتٌ إِنَّمَا الدُّنْیَا کِیْبَتٌ نَسَجَتْهُ الْعَنْکَبُوتُ وَلَقَدْ کَیْفَیکَ مِنْهَا أَيْهَا الطَّالِبُ قُوْتُ وَتَعْمَرُ عَنْ قَلِیلٍ کُلُّ مَنْ فِیْهَا یَمُوتُ». میبیدی، حسین بن معین الدین؛ پیشین؛ ص ۱۶۲، الرقم ۹۰. الإمام علی (علیه السلام): «إِنَّ الدُّنْیَا دَارُ رَضَى اللَّهِ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءِ، وَقَدَّرَ عَلَیْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِیْهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ یَسْلُکُهَا بِإِثْبَاطٍ... وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ... وَأَصْرُوا فِیْهَا بِأَنْفُسِکُمْ، فَإِنَّ ذَٰلِكَ أَخَفُّ لِلْحِسَابِ، وَأَقْرَبُ مِنَ النَّجَاةِ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۶. الإمام علی (علیه السلام): «وَضَعْ عَنْکَ هُمُومَهَا لِمَا أَیقَنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرَّفْ حَالَاتَهَا». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۷. الإمام علی (علیه السلام): «وَلَا تَجْبُوا بِزِینَتِهَا وَنَعِیمِهَا... وَإِنَّ زِینَتَهَا وَنَعِیمَهَا إِلَى زَوَالٍ... وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَیٍّ، وَكُلُّ حَیٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۸. الإمام علی (علیه السلام): «لَا تَتَنَافَسُوا فِی عِزِّ الدُّنْیَا وَفَخْرِهَا... فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْیَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ... وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَیٍّ، وَكُلُّ حَیٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۹. الإمام علی (علیه السلام): «وَإِنَّکُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْبَقَاءِ أَحْوَجُ مِنْکُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْفَنَاءِ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۷۳، ح ۳۶۱۱.





در پی توشه برگرفتن^۱ و عمل کردن برای آخرت باشد و بهره خود از دنیا را هم فراموش نکند.^۲ در این دنیا خود را مسافر بداند^۳ و پیوسته آماده سرای باقی باشد. خویشتن را خوشبخت نپندارد^۴ و از بدفرجامی خویش بترسد.^۵ آنجا هم که این دو سرا در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند و قرار به بیع است، دنیا را به آخرت بفروشد^۶ و آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، نه بر عکس.^۷

این مدل های رفتاری در حقیقت همگی بیانگر هدف قرار ندادن دنیای ناپایدار، عدم دل بستگی و زهد ورزیدن نسبت به آن و توجه نمودن و ترغیب داشتن به سرای پایدار است.

وجه استفاده از برهان پایدار و ناپایدار

از مباحث مهم، دلیل استفاده از برهان پایدار و ناپایدار می باشد. سؤال این است که چرا از این برهان استفاده شده است؟ پاسخ برمی گردد به همان میل به خلود و جاودانگی که یکی از گرایش های فطری انسان است. اسلام نیز با تأیید این میل در وجود انسان، بر اساس آن، تعلیمی را برای تربیت او عرضه می دارد. این گرایش لازمه جبری و تکوینی وجود انسان است. آنچه در ارتباط با این میل در اختیار او قرار دارد، جهت دادن به آن، تعیین مصداق برای آن و طرز رفتاری است که انسان تحت تأثیر آن انتخاب

۱. الإمام علی علیه السلام: «أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ بَقَاءٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۵۶.

۲. الإمام علی علیه السلام: «الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ وَدَارُ الْبَقَاءِ؛ فَأَعْمَلْ لِمَا بَقِيَ، وَأَعِدِلْ عَمَّا بَقِيَ، وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». طوسی، محمد بن الحسن؛ پیشین؛ ص ۳۰، ح ۳۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۷۷، ص ۳۹۰، ح ۱۱.

۳. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ رُضَى اللَّهِ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءِ... فَارْتَحِلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بَخَصَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ، وَكُونُوا فِيهَا كَسَفَرٍ نَزَلُوا مِنْزِلًا فَتَمَتَّعُوا مِنْهُ بِأَدْنَى ظُلٍّ ثُمَّ ارْتَحِلُوا لِشَأْنِهِمْ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۴. «يا عيسى، لا تشرك بي شيئا وكن مني على حذر ولا تغتر بالنصيحة ولا تغبط نفسك؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَى زَائِلًا وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أُدْبِرَ». كليني، محمد بن يعقوب؛ پیشین؛ ج ۱۵، ۳۳۹.

۵. الإمام الصادق علیه السلام: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمْنَتْ بِنَهْجَتِهَا وَغَرَّتْ بِزِبْرِجِهَا، فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخْرِ الزَّبِيعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخَضْرَتِهِ ثُمَّ يَبْهِيجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مَدَّتِهِ، وَعَلَى مَنْ نَصَحَ لِنَفْسِهِ وَعَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَلَهُ، أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظَرَ مَنْ عَقَلَ عَنْ رَبِّهِ جَلَّ وَعَلَا، وَحَذَرَ سُوءِ مُنْقَلَبِهِ». مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۹۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

۶. الإمام علی علیه السلام: «لَا تَتَّبِعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا، وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ». لیسلی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۵۲۴، ح ۹۵۴۵.

۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: «وَأَلَّا تُؤْثِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲؛ ص ۵۴۴، ح ۱۹.



می‌کند.^۱ عملکرد افراد در سایه این گرایش به تناسب بینش، معرفت و اختلاف عقاید، نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. لذا جهت‌دهی صحیح به این میل از ضروری‌ترین مسائل است و علم و معرفت در تعیین مصداق آن نقشی اساسی دارد.

خداوند متعال در قالب برهان پایدار، بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به جاودانگی را با تعبیری که گویای این واقعیت است، بیان نموده^۲ و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است^۳ و به او می‌فهماند که مطلوب اصیل او و مصادیق حقیقی نیازش، چه چیز و در کجاست تا جهت‌یابی این میل به‌طور صحیح شکل گیرد. از این‌رو انسان را به دل‌بستگی به امور پایدار و آنچه نیازش را برآورد، فراخوانده و از فناپذیرها بر حذر داشته است.

بر اساس این گرایش، انسان به دنبال امور پایدار است، اما برخی انسان‌ها به اشتباه، امور ناپایدار و از جمله دنیا، این زیبای ناپایدار را پایدار تصوّر کرده، به آن دل‌بسته می‌شوند و با این دل‌بستگی، مجموعه‌ای از صفات ناپسند را در درون خود می‌گنجانند^۴ و از پرداختن به امور پایدار، غفلت ورزیده و در نتیجه بعد از زوال امور ناپایدار، دچار پیامدهای منفی ناشی از تعلّق به آن‌ها می‌گردند؛ زیرا به چیزی دل‌بسته بودند که دیگر وجود ندارد و این جدایی از محبوب دروغین، آن‌ها را آزوده، افسرده و مضطرب می‌کند و به بیگانگی با یگانه جاودانه هستی می‌کشانند؛ درحالی‌که داشتن جهان‌بینی صحیح به فعالیت‌های فکری و عملی انسان جهت بخشیده، او را از دل‌بستگی‌های کاذب و وابستگی به جهان مآده می‌رهاند؛ و به او آرامش و انگیزه فعالیت سازنده و مثبت می‌دهد. بدین جهت دیگر دنبال شادی‌های ناپایدار نخواهد رفت؛ چون درمی‌یابد لذّت اصیل و جاودان را در سرای پایدار به او می‌دهند، نه در دنیای فناپذیر؛ بنابراین دین اسلام در جهت تأمین جاودانگی انسان با بهره‌گیری از برهان پایدار و ناپایدار، میل فطری انسان به جاودانگی را در مسیر صحیح خود هدایت می‌کند؛ و موضع‌گیری و نگرش نادرست انسان به زندگی دنیا را که از عوامل هدایت ناپذیری و انحراف اوست، تصحیح می‌نماید.

۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰؛ ص ۲۳۴.

۲. قرآن کریم با تعبیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾، ﴿يَوْمَ الْخُلُودِ﴾ و صفت قرار دادن واژه ﴿أَبَقَى﴾ برای آخرت ﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ اُعلیٰ ۱۷، نعیم ﴿مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ قصص ۶۰؛ شوری ۳۶؛ ﴿رِزْقٌ زَكَاةٌ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۳۱ و عذاب آن ﴿لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۲۷، به انسان می‌آموزد که جاودانگی او در سرای اخروی قابل تحقق است.

۳. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ نساء ۵۷.

۴. رسول الله ﷺ: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ». منسوب به امام صادق جعفر بن محمد عليه السلام؛ پیشین؛ ص ۱۳۸.



نتیجه‌گیری

با توجه به مسئله مطرح‌شده، مبنی بر چرایی تأکید ویژه بر ترجیح آخرت بر دنیا و پاسخ‌های متفاوت ناظر به این مسئله، این نوشتار به یکی از اساسی‌ترین پاسخ‌ها؛ یعنی پایداری آخرت و ناپایداری دنیا با رویکرد جاودانه‌طلبی انسان پرداخت. تحلیل این موضوع به‌عنوان برهان پایدار و ناپایدار، جایگاهی ویژه در زندگی انسان و دستیابی او به سعادت دارد. بررسی نقش دین، به‌عنوان مجموعه‌ای معنی‌بخش زندگی و تبیین وجه استفاده از برهان مذکور، اهمیت این مسئله را روشن خواهد نمود.

نتایج به‌دست‌آمده این است که دین نقشی مهم و مستقیم در رابطه با برهان پایدار و ناپایدار دارد که در حوزه انسان، دنیا و آخرت و نوع برخورد انسان با این دو پدیده قابل طرح است؛ به این صورت که اولاً: اسلام بیانگر این است که یکی از گرایش‌های فطری انسان، میل به خلود و جاودانگی است، و ازجمله واقعیت‌های زندگی این موجود جاودانه‌طلب این است که مقطعی از زندگی خود را ناگزیر باید در دنیایی ناپایدار بگذرانند. ممکن است انسان به جهت عدم شناخت صحیح دنیا و مانوس شدن به آن از جنبه فناپذیری‌اش غافل شده و آن را پایدار بپندارد و بدان دل‌بستگی پیدا کند و از توجه نمودن به سرای بقا غافل شود. این تعلق و دل‌بستگی به دنیا که ناشی از عدم شناخت آن است، منشأ آلودگی انسان و بسیاری از اضطراب‌ها و نگرانی‌هاست.

ثانیاً: از آنجاکه شکل‌گیری عملکردهای انسان، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد، بدین‌جهت یکی از رسالت‌های دین، مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار، بیان حقیقت آن‌ها، ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدا نمودن از امور ناپایدار است. بر این اساس ازجمله مفاهیمی که در متون دینی با تعابیری مختلف مورد تأکید ویژه قرار گرفته، بُعد زمانی و طول عمر دنیا و آخرت است. زندگی دنیوی از این‌جهت دارای محدودیت است و متناهی می‌باشد. در مقابل، آخرت، نامحدود، نامتناهی و جاودانه است. ناپایداری و زوال دنیا به زیبایی در این متون به تصویر کشیده شده است. دنیا، در حقیقت، برخوردار از چندروزه‌ای اندک و عرضی است که همچون سراب از میان می‌رود؛ چون ساعتی می‌گذرد و در ناپایداری بسان خانه عنکبوت است؛ زندگی‌اش کوتاه و لذت‌هایش ناپایدار است. پس انسان در جهانی زندگی می‌کند که همه‌چیز در آن جنبه موقتی دارد و در معرض زوال، تغییر و تحوّل است. دنیا موقتی و آخرت، ابدی است؛ دنیا سرای نیستی و آخرت، سرای ماندگاری، «دَارُ الْقَرَارِ»، «دَارُ الْخُلْدِ»، «دار المَقَامَةِ»، منزلی جاویدان است که کسی از آن بیرون نمی‌رود.

شناخت بُعد پایداری آخرت و زوال‌پذیری دنیا که از مهم‌ترین وجوه تمایز این دو سرا است، باعث



می‌شود که انسان از بینش محدودی که به شکل دنیاطلبی و دنیاپرستی تجلی پیدا می‌کند، خارج شود؛ در نتیجه از دل‌بستگی به دنیا رهایی یابد؛ زیرا او به لحاظ فطری، در جستجوی جاودانگی است و وقتی این شناخت، آگاهی و باور برای او حاصل شود که دنیا جای بقا نیست و سرای فنا می‌باشد و بقای او در سرای جاویدان میسر است، عملکرد و رابطه خود با دنیا را تصحیح خواهد نمود و جز به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به بهترین جایگاه در سرای بقا، به آن نخواهد نگریست و فریفته دنیایی که باعث رویگردانی از سرای پایداری است، نخواهد شد.

بنابراین سومین نقش دین در رابطه با برهان پایدار و ناپایدار، تبیین چگونگی مواجهه با سرای پایدار و ناپایدار است. خداوند متعال معمار انسان که آگاه به همه ابعاد وجودی اوست، با ارائه برهان پایدار و ناپایدار بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به زندگی جاوید را با تعابیری که گویای این واقعیت است، بیان نموده و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است. پیوسته او را از دل‌بستگی به سرای فانی بر حذر داشته، به سرای باقی ترغیب نموده و با زبان هادیان دین، چگونگی ارتباط صحیح با دنیای ناپایدار را به او آموزش داده و در این راستا مدل‌های رفتاری مهمی را جهت تنظیم مناسبات او با دنیا و آخرت مطرح نموده است. به این صورت که: فرصت دنیای ناپایدار را غنیمت شمرده و به طاعت خداوند سبحان بگذرانند. دل به دنیا نسپارد و تقوا پیشه کند. با دیده‌ای عبرت بین به آن بنگرد و قانع باشد و بر سختی‌هایش بی‌تابی نکند. با بهره‌گیری از دنیا، در پی عمل کردن برای آخرت باشد و آنجا که این دو سرا در تقابل با هم قرار می‌گیرند، آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

وجه استفاده از برهان مذکور نیز به همان جاودانه طلبی انسان برمی‌گردد تا با بینش صحیح نسبت به دنیا، به ویژگی موقت و فانی بودن دنیا و مال و ثروت آن، پی ببرد و عمرش به دل‌بستگی‌های کاذب و زوال‌پذیر دنیا مشغول نشود. مصائب و ناگواری‌ها، ناامید و شکسته‌اش ننماید و خوشی‌ها نیز او را غافل از جایگاه ابدی‌اش نکنند؛ چون درمی‌یابد دنیا با همه سختی‌ها و خوشی‌هایش فناپذیر است و هیچ‌یک از آسایش و سختی در دنیا ابدی نیست. لذا از بسیاری از سردرگمی‌های ناشی از دل‌بستگی به جهان ماده، خلاصی می‌یابد و در زندگی، آرامش و رضامندی خواهد داشت؛ زیرا درمی‌یابد دنیای ناپایدار، گنجایش و ظرفیت خواسته‌های متعالی او را ندارد و زندگی حقیقی و بقای او در جهان آخرت میسر است. برای انسان سرایی جذابیت و مطلوبیت دارد که پایدار و پایان‌ناپذیر بوده و نعمت‌های آن دارای بهترین کیفیت باشد؛ و دنیا از آن جهت که فاقد این دو ویژگی است، نه به او استمرار حیات و زندگی جاودانه و هستی مطلق می‌دهد و نه خوشی مطلق. از آنجا که او طالب زندگی پایدار و سرشار از لذت است، خداوند متعال



وی را برای دستیابی به این مطلوب و پیدا کردن این گمشده، راهنمایی نموده و به وی می‌آموزد که زندگی آخرت، «بهتر» و «پایدارتر» است:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾^۱

بنابراین بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می‌کند و به شکل صحیحی تنظیم می‌شود؛ در نتیجه گرایش او از دنیا به آخرت تغییر خواهد نمود؛ در زندگی آرامش و رضامندی خواهد داشت و میل فطری خود به بقا را در جهت صحیح هدایت می‌نماید؛ در نتیجه مسیر دستیابی به سعادت را به درستی می‌پیماید.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آذرتاش، آذر نوش؛ فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ش.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق، ۴ ج.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ التوحید (الصدوق)، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۵. _____؛ الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ۲ ج.
۶. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، ۲ ج.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۸. ابن شهر دار، شیرویه؛ الفردوس، قاهره: دارالریان للتراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۹. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مصر: مكتبة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۸۹ ق، ۵ ج.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ۱۱ ج.
۱۱. بازرگان، مهدی؛ مباحث بنیادین، مبحث زوال و لغو اصل کهولت (آنتروپی)، چاپ دوم، تهران: قلم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مهدی رجائی، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: توحید در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. _____؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد؛ إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، ۲ ج.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، تصحیح: الصبحی صالح، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق، ۲۰ ج.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ۱۰ ج.
۲۲. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ۱۱ ج.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی (للطوسی)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.





۲۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط- القديمة)، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش، ۲ ج.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ۴ ج.
۲۶. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن محمد؛ القاموس المحیط، بیروت: الرسالة، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش، ۷ ج.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران: دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ۱۵ ج.
۲۹. لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ (اللیثی)، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ۱۱۰ ج.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد؛ دنیا و آخرت در قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شبخی، چاپ سوم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹ ش، ۲ ج.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش، ۳ ج.
۳۳. _____؛ انسان سازی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. _____؛ آموزش عقاید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۳۵. _____؛ آموزش فلسفه، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، بهار ۱۳۸۳ ش، ۲ ج.
۳۶. _____؛ به سوی او، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. مصطفوی، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ۱۱ ج.
۳۸. مطهری، مرتضی؛ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۱ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ۲۷ ج.
۴۰. منسوب به امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام؛ مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۴۱. میبدی، حسین بن معین الدین؛ دیوان امیر المؤمنین علیه السلام، ترجمه: مصطفی زمانی، قم: دار نداء الإسلام للنشر، بی تا.
۴۲. مهیار، رضا؛ فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی جا، بی نا، بی تا.